

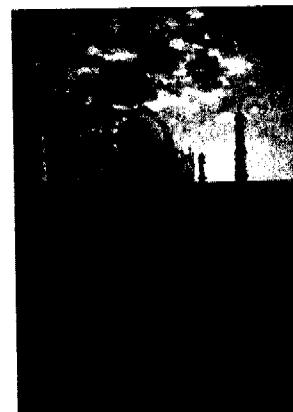
سلسله‌ی عباسی که قدرت خود را در سال ۷۵۰/۱۳۲ برجهان اسلام مستقر کرد، مدعی آن بود که عصر تازه‌ای از عدالت و تقاو و نیکبختی را آغاز خواهد کرد. فرماتور ایوان این سلسله رهبری امت اسلامی را تنها حق خود می‌دانستند و همه‌ی آنان با القابی که برای خود اختیار می‌کردند، خود را مورد تأیید خدا قلمداد می‌کردند. هنگامی که خلافت عباسی در قرن سوم و چهارم دچار ضعف و انحطاط گردید و امیران محلی و خاندان‌های حکومت‌گر از هر سو سرپرآوردن و داعیه‌ی استقلال یافتدند، اندیشه‌ی ایجاد یک دولت قادرمند و احیای مردم‌ریگ باستانی ایران در میان بسیاری از اقوام ایرانی رواج یافت که حاصل آن، تأسیس دولت‌های چون صفاریان، سامانیان و زیاریان بود. در این میان، توفیق تحقق این اندیشه‌ی ارمانی، بیش از همه نصیب خاندان شیعی مذهب بوده گردید که از میان طوایف سرکش دیلم ظهرور یافته بود.

اقداد دستگاه خلافت عباسی با تسلط ترکان مورد تعرض قرار گرفت و تضعیف خلافت، آل بویه را متوجه بغداد کرد. پس عرصه بر خلیفه تنگ شد و اختلافات بالا گرفت. در هنگامه‌ی تشید اختلافات داخلی و درگیری‌های خاندانی، این بار دستگاه سلطنت آل بویه تضعیف شد و فرصتی برای خلافای عباسی فراهم آمد تا دوباره قدرت را در دست بگیرند. آل بویه در سال ۴۲۴-ق. بغداد را تصرف کردند. آن‌ها به احترام و اعتبار خلیفه و برای ممانعت از نفوذ و تسلط رقبای شیعه‌ی خود، دستگاه خلافت عباسی را حذف نکردند، اما صحنه‌ی سیاست بغداد را به گونه‌ای آراستند که به راحتی می‌توانستند خلیفه را از مقام خوبی خلع نمایند. بعد از مرگ بهرام‌الدّوله اقدار آن‌ها رو به کاهش رفت و خلیفه القادر بالله (۴۲۶-۴۲۸ هـ) و - در بی او - خلیفه القائم بالله (۴۲۶-۴۲۲ هـ) فرست را مغتمن شمردند و خلافت عباسی را رونقی تازه بخشیدند. دوران چهل و یک ساله‌ی خلافت القادر، اگرچه در خلال پژوهش‌های گوناگون پیرامون آل بویه، عباسی‌ها و ارتباط این دو، مورد اشاره قرار گرفته؛ اما تا همین اواخر به صورت مستقل مطمح نظر نبوده است. اکنون او جان طالب^۳ - دانش‌آموخته‌ی دانشگاه مک‌گیل کانادا، متخصص تاریخ اسلام و علوم انسانی در دانشگاه اسلامی جاکارتا و نایب رئیس انجمن فارغ‌التحصیلان همان دانشگاه - با نگارش کتابی مستقل، وضعیت اقتصادی، سیاسی و دینی بغداد در دوران قادر را بررسیه است.

ادغام تمدن ایران و اسلام:

آل بویه و خلافت عباسی

• مرضیه سلیمانی



■ *The Reign of the Abbasid Caliph al-Qadir Billah:
Studies on the Political, economic and Religious aspects
of his caliphate during the Buwayhid rule of Baghdad*

■ Author: udjang Tholib/2009

■ Publisher: VDM Verlag/340 Pages

■ ISBN: 978-3639217483

تقسیم قدرتی صورت گرفته بود اما در حقیقت، خلیفه عباسی اقتدار دنیوی خویش را به کلی از دست داد و به گونه‌ای که حتی پس از زوال آل بویه نیز خلفاً هیچ‌گاه به جایگاه قدرتمند اولیه بازگشتند. به گفته این خلدون: «به راستی که اساس خلافت به کلی روی به ویرانی نهاده بود».^{۱۰} و کار به جایی رسید که وقتی معزالدوله برای جنگ از بغداد خارج می‌شد، خلیفه را نیز همراه می‌برد و «معطیع مثل اسیر نزد او بود».^{۱۱}

اما این موازنه قدرت به چه صورت انجام گرفت؟ نویسنده داستان ورود پیروزمندانه عضدادوله به بغداد را بازمی‌گوید. او مورد استقبال خلیفه عباسی قرار گرفت و در عوض در مقابل او تواضع کرد. عضدادوله در مقابل خلیفه زمین را بوسید و او را «خلیفه خدا بر روی زمین»^{۱۲} نامید و خلیفه اختیارات حکومتی خود را به او تفویض کرد. عضدادوله دو پرچم که شانه فرمانروایی شرق و غرب قلمرو حکومتی خلیفه بود به او داد و در مقابل، نخستین کس از آل بویه بود که از خلیفه دو لقب دریافت کرد. نقطه اوج این موازنه - و یا مصالحة - ازدواج دختر عضدادوله با خلیفه الطابع بالله بود. به گفته این مسکویه هدف عضدادوله آن بود که دخترش، دارای پسری شود که ولیعهد باشد و خلافت به آل بویه برسد و پادشاهی و خلافت در دولت دیلمی یکی شود.^{۱۳}

Abbasی‌ها و بازیابی اقتدار

با ورود بهاءالدوله، زیادت خواهی‌های الطابع و عدم همکاری او با بهاءالدوله به خل و مصادره اموال او منجر شد.^{۱۴} خلیفه بعدی با مشورت‌های بسیار انتخاب شد و او کسی نبود جز احمدبن اسحاق مقتدر که بعد از رسیدن به خلافت القادر بالله لقب گرفت. اکنون روایات و مستندات طالب به نقطه اوج خود رسیده است.

خلافت القادر در بغداد و تحت حاکمیت آل بویه، تغییرات سیاسی، اجتماعی و دینی، نوع رابطه دستگاه خلافت با امیر و تبعات یا ثمرات آن، موضوع پژوهش اوجان طالب است و ما در این بخش و فصول بعدی اورا می‌بینیم که با دقت و شکیبایی با مسئله دست و پنجه نرم می‌کن. بعد از آن جا آغاز طالب، شرح احوال خلیفه القادر و ارائه یک طرح کلی پیرامون اوضاع سیاسی زمانه اواست.

او می‌گوید: احمدبن اسحاق بن مقتدر معروف به القادر بالله در سال ۳۳۶ هـ. ق به دنیا آمد. مدت خلافت او ۴۱ سال - از سال ۳۸۱ تا ۴۲۲ هـ. ق. بود. از معاصران او می‌توان به سلطان محمود، مسعود غزنی، سلطان بهاءالدوله، سلطان الدوله، مشرف الدوله و جلال الدوله بویهی نام برد. او شخصیتی قوی و توانا بود و به دنبال احیای قدرت سیاسی دستگاه خلافت برآمد و برای پیشبرد این هدف و کسب حمایت شیعیان، گاه حتی ادعایی کرد که «حضرت علی (ع) را به خواب دیده، از او کسب یاری کرده و در عوض قول داده که به شیعه او رحمت نماید».^{۱۵}

القادر مال الیبعه را پرداخت، دیلمیان با او بیعت کردند، القادر سوگند یاد کرد که به بهاءالدوله و فادران باشند^{۱۶} و در نهایت در سال ۴۲۳ هـ. ق با دختر او ازدواج کرد.

این تحقیق از آن رو دارای اهمیت است که به مقطع منحصر به فردی از تاریخ اسلام پرداخته است. بغداد در دوره‌های دینی و سیاسی - از یک سو تحت نفوذ آل بویه شیعی و از سوی دیگر زیر لوای خلافت عباسیان سنتی مذهب - چه وضعیتی داشت؟ القادر که بود؟ جایگاه و موقعیت خلفای عباسی در دوره‌ی قدرت‌یابی آل بویه چه بود؟ پایان کار او چه شد؟ امتیازات یا کاستی‌های خلافت او کدام‌ها بودند؟ موازنه‌ی قدرت چگونه برقرار می‌شد؟ و دستاوردهای فرهنگی و اقتصادی این رابطه چه بود؟

این‌ها و سوالاتی از این دست، محور کار طالب قرار گرفته‌اند. او برای یافتن پاسخی مناسب به منابع متعدد رجوع کرده و در هر مورد، ابتدا با ارایه‌ی پیشینه‌ای تاریخی، چهارچوب روش‌شنا از فضای مورد بحث را در ذهن خواننده ترسیم می‌کند. سپس با چیدمانی منطقی، حوادث مربوط به آن دوره را یک‌به‌یک باز می‌گوید و با اتكاء به منابع موقق، صحت و سقم آن‌ها را می‌سنجد. در پایان، با ارایه‌ی چند نتیجه‌گیری محتمل، اتخاذ تصمیم نهایی را بر عهده‌ی خواننده می‌گذارد.

ترسیم خطوط کلی

آن‌گونه که نویسنده در ترسیم خطوط کلی اوضاع و زمانه‌ی آل بویه عنوان می‌کند، عصر آل بویه را که صد و سه سال به طول انجامید، می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: ۱- دوره‌ی آغازین (۳۶۵-۳۶۵). ۲- دوره‌ی امپراطوری (۳۶۵-۴۰۰). ۳- افول و سقوط امپراطوری (۴۰۰-۴۴۳). دوره‌ی آغازین عبارت است از تحکیم قدرت به دست سه پسر بویه و انتقال آن به پسرانشان، بختیار (پسر معزالدوله) و عضدادوله (پسر رکن‌الدوله). دوره‌ی امپراطوری با جلوس عضدادوله بر مستندقدرت در بغداد شروع شد و با حکومت پسرانش، صمصم‌الدوله (۳۷۱) و شرف‌الدوله (۳۷۵) و شرف‌الدوله (۳۷۷) و بهاء‌الدوله (۴۰۰-۴۰۰) ادامه یافت. عضدادوله پس از رفتن به بغداد، شیراز (کرسی ولایت فارس) را نیز هم‌پایه باخت حفظ کرد و در آن جا یک وزیر و یک قاضی‌القضات به کار گمارد. برادر عضدادوله، موید‌الدوله، جاشین پدرش در جبال (ری و اصفهان) شد. پس از برادر دیگرش فخر‌الدوله به حکومت رسید. عضدادوله بترید بر جسته‌ترین فرمانروایی آل بویه بود که با رهبری او امپراطوری آل بویه به بیشترین حد قدرت و وسعت رسید، گرچه وحدتی که او ایجاد کرد، پس از وفاتش از هم گستست و بروز اختلاف میان پسرانش آغاز سقوط این خاندان را رقم زد.^{۱۷}

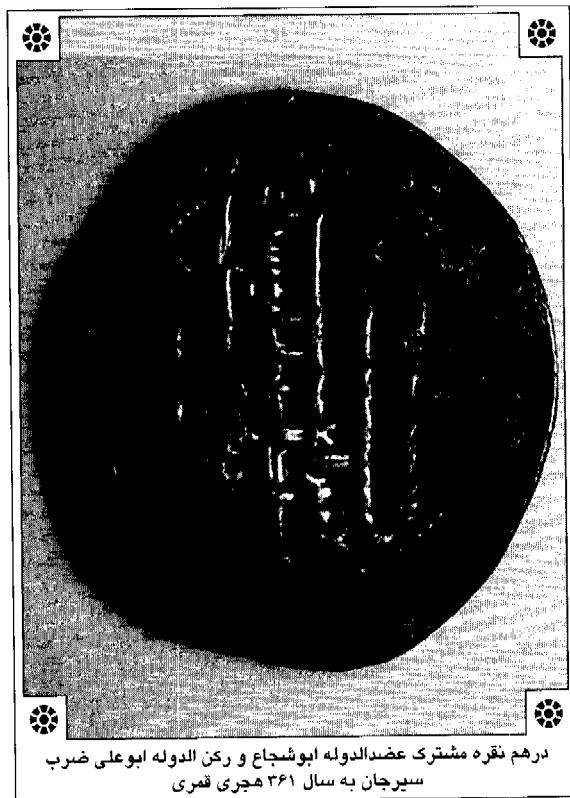
ایجاد موازنه

آل بویه خلافت عباسی را ساقط نکرد. دلایل این امر را اوجان طالب طی فصلی مجزا و نه چندان بلند توضیح می‌دهد: اولاً - جمعیت بغداد، و به طور کلی عراق، سنی بود. دوماً - سپاهیان ترک نیز اغلب از سینیان تشکیل شده بود. از سوی دیگر فشار رقبای شیعی نیز دائمًا احساس می‌شد. در واقع، پایگاه اجتماعی مرجعیت خلیفه، ایزاری بود در دستان آل بویه تا بدان وسیله به قدرت خویش مشروعیت بخشند. پس از یک سو نام امیر آل بویه بر سکه ضرب شد و از سوی دیگر در خطبه نماز جمعه، از خلیفه نام بردن. در ظاهر،

بخش بعدی کتاب به دوران پس از تثبیت القادر اختصاص دارد. او که اکنون قدرتی یافته بود در صدد حذف و تضعیف شیعیان برآمد و حتی می‌گویند عناد محمد غزنوی با تسبیح نیز وظیفه‌ای بود که القادر بر عهده او نهاده بود.^{۱۵} از نظر شروت و اقتدار دنیوی نیز آورده‌اند که قادر در خانه معروف بیتلر صاحب می‌نشست و از زیر پایش نهری به سوی دجله روان بود و رواق‌ها را بر حسب تعداد نگهبانان و غلامان که آن جا گرد می‌آمدند یا بر حسب مدت خدمت، اربعینی، سنتی و تسعینی می‌نامیدند. امرا و قتی به خدمت خلیفه می‌آمدند، سواره وارد دارالخلافه می‌شدند و تا جایگاه معینی پیش می‌رفتند و آن جا پیاده وارد قصر می‌گردیدند تا اجازه رفتن به آن سوی پرده داده شود.^{۱۶} و به لحاظ فرهنگی کار بدان جا کشید که امرای آل بویه تنها به عربی سخن می‌گفتند، که بدان زبان شعر نیز می‌سرودند و این در حالی بود که تا روزگار معازلالدوله حتی به این زبان تکلم هم نمی‌گردند.^{۱۷} اما نقطه اوج این پیروزی‌ها، همکاری و همیاری محمود غزنوی با خلیفه بود. نویسنده عنوان می‌کند که در این دوران، مذهب اهل سنت - به شیوه حنبلی و به دست خلیفه القادر - دوباره احیا و اعاده شد. از تغییز انتصاب شیعه مذهبان امتناع ورزید، نسخه منتفع قرآن این مسعود را محکوم شمرد (۳۹۸ هـ-ق) و دستور اعدام فرد شیعه‌ای را صادر کرد که مسیبان نابودی این نسخه قرآن را لعن کرده بود. او جان طالب به نقل از مقدسی می‌گوید که القادر بحث درباره تعالیم معتزله و شیعه را منمنوع و فقهای حنفی طرفدار معتزله را مجبور کرد که در ملاً عالم از ادعاهای خود دست بردارند. بعداً با صدور سه اعلامیه، مذهب حنبلی را مذهب رسمی حکومت اعلام و برتری سه خلیفه نخستین را تأیید کرد. و این آغاز سرانشیی آل بویه بود که با فشارهای محمود تشید می‌شد.

القدر تنها به اقدامات عملی صرف بسته نکرد. در دوران خلافت او دو رساله در باب حقوق عمومی نوشته شد که هر دو الاحکام السلطانیه نام داشتند. یکی تألیف ماوردي شافعی و دیگری این فراء حنبلی و هدف، کسب حمایت اعتقادی برای حاکمیت دوباره مذهب است.^{۱۸}

اما وضعیت بغداد، اوضاع بغداد یکی دیگر از فضول کتاب است که نویسنده با دقت و علاقه بدان پرداخته و برای ترسیم آن از منابع فراوانی بهره برده است. او - هم صدا با جوئل کرم - می‌گوید: بغداد در نیمه‌ی قرن چهارم و اویل قرن پنجم، در اوج قدرت آل بویه، از نظر رشد شهری به حد اعلای خود رسید و در گردابی از تنزل وضع اجتماعی و اقتصادی گرفتار



در هم نقره مشترک عضدادوله ابوشجاع و رکن الدوله ابوعلی ضرب
سیرجان به سال ۴۶۱ هجری قمری

در ادامه نویسنده عنوان می‌کند که سفرهای مکرر بهاءالدوله به فارس، فرصت لازم را در اختیار قادر نهاد. او - بر خلاف خلفای پیشین - خود جانشین خویش را انتخاب کرد، مناصب پیشنهادی بهاءالدوله برای نقابت علویان، دیوان مظالم و امیرالحجاجی را نیز بیرفت، از برگزاری مجالس مناظره میان معتزله و شیعیان ممانعت به عمل آورد و در نهایت، در سال ۴۰۲ هـ. ق. تکفیرنامه‌ای علیه فاطمیان مصر صادر کرد و آن را به امضای علمای شیعه و سنتی رساند.

جالب آن که این خلدون در توصیف این واقعه می‌گوید: «القدر بار دیگر شکوه و ایجهت از دست رفته را بدان بازگرداند و هیبت او بر دل‌های مردم استقرار یافت.^{۱۹}»

و این اثر این کار شیعیان را «از روی ترس و تقویه و عدم آگاهی به علم انساب^{۲۰}» می‌داند.

آل بویه در سال ۵۳۴ هـ-ق. بغداد را تصرف کردند و دستگاه خلافت عباسی را حذف نکردند. اما صحنه‌ی سیاست بغداد را به گونه‌ای آراستند که به راحتی می‌توانستند خلیفه را از مقام خویش خلع نمایند

تمدن اسلام و اسلام

درگیری و تعارض بین خلیفه و امیر تا بدان پایه بود که به کلی از وضع معيشت مردم غافل ماندند و در امور دینی بر آن‌ها سخت گرفتند. کاخ‌ها و مساجد پی در پی ساخته می‌شد اما اقتصاد تنزل می‌کرد و اجتماع ناآرام بود

تمدن ایران و اسلام

بویه در رأس قرت بود و القادر در نقطه‌ی ضعف قرار داشت اما از ۴۰۳ تا ۴۴۷ هـ. ق بعنی بخش پایانی خلافت قادر و بخش نخستین خلافت فرزند و جانشین او - القائم - دستگاه خلافت تلاش برای تجدید حیات سیاسی - اجتماعی - دینی را آغاز کرد. و از ۴۴۷ تا ۴۶۷ - تحت حمایت ترک‌ها و ترکتازی‌های محمود - سلاجقه بر دستگاه خلافت استیلا یافتند. در بغداد، نظام مالیاتی همچون فتووالی باقی ماند و در نتیجه خزانه‌ی دولت خالی شد. کوشش بهاء‌الدوله برای کاهش عوارض، با شورش مردم ناکام مان. وزیر او - ابونصر شاپور بن اردشیر - در محله‌ی شیعه‌نشین کرخ، دارالعلمی بنا کرد و کتاب‌های سیاری خرید و به آن‌جا منتقل نمود...

به عقیده‌ی نویسنده افول سیاسی خلافت عباسی پیش‌تر و در زمان متول (۲۳۲-۲۴۷) که امیرالامرا کنترل امور نظامی را به دست گرفت، آغاز شده بود. انحطاط اقتصادی اما مخصوصاً دو عامل مهم بود: اول - کاهش شدید عایدات که اکنون نظم و نسقی یافته بود. دوم - صرف هزینه‌های اضافی در امور نظامی. او در جای جای کتاب عنوان می‌کند که بدون یاری غزنی‌یان القادر به راستی که « قادر » به هیچ کاری نبود. اما با انکاء به آنان و نیز به مدد ایجاد رابطه‌ی دوستانه با علمای همه‌ی مکاتب فقهی - از باقلانی مالکی، گرفته‌تا ماوردي شافعی و ابوعله‌ی حنبلی و... - آموزه‌های تئوریک اهل تسنن را گسترش بخشید.

پایان بخش کتاب، فهرست طولانی منابع و مأخذ و نمایه‌ی مفصل اعلام است.

اوچان طالب پیش از این کتاب بسیار مهم و پراقبال دیگری را تأثیف کرده که منصور، بنیان گزار واقعی سلسله‌ی عباسی نام دارد.^{۲۲} شریانی مثل مطالعات سامی^{۲۳} و پژوهش‌های خلورن‌دیک^{۲۴} در مقالاتی جداگانه به معرفی و نقد کتاب طالب پرداخته‌اند و سایت دانشگاه مک گیل یک صفحه‌ی کامل را به آن اختصاص داده است.

بستر پژوهش

پژوهش در حوزه‌ی تاریخ آل بویه، قدمتی دیرینه دارد. با این وجود، منابع خارجی چندانی در دسترس نیست. از میان این آثار، شاید برجسته‌ترین آن‌ها یکی دوران بویه^{۲۵} باشد که با عنوان فرعی، آل بویه و اوضاع زمانه‌شان در نوامبر ۱۹۹۰ و توسط علی اصغر قیمی به چاپ رسید. پس از آن جوئل ل. کرم‌احیای فرهنگی در عهد آل بویه را در سال ۱۹۹۲ نگاشت؛ کتابی

شد. حکومت آل بویه با ناکامی غربی می‌کوشید از جریان شدید زوال شهرنشینی جلوگیری کند. امیران بویه شرایط معيشت را بهبود می‌بخشیدند اما مشکل از جای دیگری سربر می‌آورد. نهرها لای رویی نشد، پل‌ها تعیر نگردید و چشمدها خشک شد. نتیجه، توقف کشاورزی و ایجاد بحران اقتصادی، تورم و در نهایت قحطی بود. درگیری و تعارض بین خلیفه و امیر تا بدان پایه بود که به کلی از وضع معيشت مردم غافل ماندند و در امور دینی بر آن‌ها سخت گرفتند. کاخ‌ها و مساجد پی در پی ساخته می‌شد اما اقتصاد تنزل می‌کرد و اجتماع ناآرام بود. بغداد شهری بود با محله‌های بسیار که با یکدیگر تجارت نداشتند به گونه‌ای که این شهر به سه حوزه قضايی - در رصافه، دارالخلافه و کرخ - تقسیم شده بود.^{۲۶} کشاکش شیعیان و سنی‌ها زیاد بود. عده‌ی فراوانی کشته و خانه‌ها و مغازه‌های بسیاری ویران شدند. کتابخانه‌های گران‌بها در آتش سوختند یا به غارت رفتند. القادر به باری ترک‌ها و به ویژه محمود کرد آن چه کرد، تا جایی که در سال ۳۹۲ - کار به کشتن نصاری و غارت اموالشان کشید.^{۲۷} اما ورکرد دستگاه‌های خلافت و سلطنت به این درگیری‌ها و بحران‌ها چه بود؟ نویسنده در بخش آخر کتاب این دستور کار را در چند محور خلاصه می‌کند.

(الف) - عملکرد دارالخلافه:

۱- مبارزه با آن‌چه که به گفته‌ی دستگاه خلافت «تعصب شیعی» نام داشت.

۲- لعن گروههای مخالف در مسجد (مثلاً شیعه و معترله)

۳- نوشتن کتاب یا ردیه بر گروههای مخالف (همانند آن‌چه که پیش‌تر از آن نام برده‌یم)

۴- ایجاد محدودیت برای آن گروهها (مثلاً هنگام اجرای مراسم و احکام)^{۲۸}

(ب) اقدامات امیران آل بویه:

۱- ممانعت از برگزاری مراسم شیعیان، جهت آرام‌کردن اوضاع

۲- میانجیگری در مناقشات و کوشش در خواباندن فتنه

۳- سرکوب هر دو طرف درگیر (شیعه و سنی)

در پایان نویسنده نتیجه می‌گیرد که در آن مقطع زمانی، مرجع قدرت یگانه و مطلق نبود. سلطان صاحب قدرت بود و خلیفه دارای اعتبار، سلطان اعتبار و مشروعیت را از خلیفه می‌گرفت و خلیفه محتاج بیعت امیر بود. دوران خلافت القادر بالله از ۳۸۱ تا ۴۲۲ هـ. ق به طول انجامید. تا سال ۴۰۳ امیر

۳ . udjang Tholib

- ۴ . تقسیم دوره‌ها بر اساس نظر بوسه در Grosskönig chalif und گرفته است.
- ۵ . اجایی فرهنگی در عهد آل بویه: انسان گرایی در عصر رنسانس اسلامی، جوئل ل. کرم، ترجمه محمدسعید خنایی کاشانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: چاپ اول ۱۳۵۷ ص ۷۵
- ۶ . تاریخ ابن خلدون، ابن خلدون، ترجمه عبدالحمد آیتی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران: ۱۳۶۴، ج ۲، ۷۰-۸۱
- ۷ . تاریخ الخلفاء جلال الدین سیوطی، تحقیق محمد محی الدین عبدالجمید، ص ۳۹۸
- ۸ . رسم‌دانی الخلفاء ابوالحسن هلالی بن محسن صالحی، تصحیح و حواشی میخانیل عواد، ترجمه رضا شفیعی کدکنی، انتشارات بیان فرهنگ ایران، تهران: ۱۳۶۴، ص ۵۹
- ۹ . نجاح‌الاهم، ابن مسکویه ازی، حققه و قدمله ابوالقاسم امامی، تهران: دار سروش للطباعة والنشر، ۱۳۷۹، ش ۲۰۰۰، مر ۷۶-۷۵
- ۱۰ . ترجمه تاریخ عتبی به اضمام خانمه یعنی یا حاویت ایام، ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفاقانی، به اهتمام جعفر شعبان، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران: ۱۳۴۵، ص ۲۹۸
- ۱۱ . تاریخ روضة الصفا میر خواند، انتشارات خیام، تهران: ۱۳۳۹، ج ۳، ص ۵۲۲
- ۱۲ . الاکمال فی التاریخ، ابن اثیر، بیروت: دارصادر، ۱۳۳۹ - هـ ۱۹۷۹، ج ۱، ص ۹۱
- ۱۳ . تاریخ ابن خلدون، همان، ص ۶۹۳
- ۱۴ . الاکمال ابن اثیر، همان، ج ۸، ص ۲۷
- ۱۵ . شذرات الذهب، ج ۳، ص ۱۸۶ به نقل از تاریخ تشیع در ایران - (آنغاز تا طلحه دولت صفوی، رسول حضریان، نشر علم، تهران: چاپ اول ۱۳۶۲، ص ۳۸۸)
- ۱۶ . تمدن اسلامی در قرن چهلام هجری، ادم متزر، ترجمه علیرضا ذکارتی فراکوزلو، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ اول ۱۳۵۸، ص ۱۲۲
- ۱۷ . عصر زین فرهنگ ایران، ریچاردن، فرای، مترجم: مسعود رجب‌نیا، انتشارات سروش، تهران: چاپ اول ۱۳۵۸، ص ۲۲۸
18. Gibb, "Al – Mawardi Theory of the caliphate", studies, pp.151 – 65
- 19 . Lassner , "Massignon and Baghdad; the complexities of growth in an imperial city", JESHO, 9(1966), P.181
- ۲۰ . البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۸، ص ۸۹
- ۲۱ . در این بخش، نویسنده به المستظم ابن حوزی، تاریخ الخلفاء سیوطی، البدایة و النهایة ابن کثیر و روضة الالباب بناتکی ارجاع داده، و ما تاریخ جعفرزادگانی عظاملک جویشی (ج ۲، ص ۱۶) را نیز بدان می‌افزاییم.
- 22 . Al – Mansur (754 - 775 AD), the Real Founder of the Abbasid Dynasty
- 23 . The Journal of semetic studies, Autumn 2010 vol . 55
- 24 . The Journal of Near eastern studies, No 66 – pp . 155 -156
- 25 . The Buyyid period
- 26 . Luke Treadwell
- 27 . The Buwayhid Dynasty of Baghdad
- 28 . H.F Amedroz, Three years of Buwayhid rule in Baghdad, A.H. 389 - 393
- 29 . Ibid.

بسیار مهم که منبع کار نویسنده‌ی ما نیز بوده است و در ایران تحت همین عنوان توسط محمدسعید خنایی کاشانی به فارسی برگردانده شده و در سال ۱۳۷۵ توسط مرکز نشر دانشگاهی به چاپ رسیده است.

در سال ۱۹۹۶ کلیفورد ادموند با سوژت در کتابی تحت عنوان سلسله‌ی جدید اسلامی به آل بویه پرداخت. این کتاب را دانشگاه کلمبیا منتشر کرده است.

تاریخ ایران کمربیج (جلد ۴: از حمله‌ی عرب تا سلجوقی‌ها)، زیرنظر ریچارد فرای نیز حاوی یک فصل مهم در این رابطه است. «ایران در زمان آل بویه» نوشته‌ی هربرت بوسه، پیش از آن م. کبیر «کتاب خانه‌ها و آکادمی‌های عهد آل بویه» را در ۱۹۵۹ (شماره ۱۳۳) معرفی کرده بود و بوسه خلیفه و سلطان: آل بویه در عراق را در بیروت و در سال ۱۹۶۹ به چاپ رسانده بود.

از مدخل‌های مفصل دایرةالمعارف بویتانیکا و ایوانیکا (ذیل دلیلیان) که بگذریم، در سال‌های جدید یک کتاب ۷۰ صفحه‌ای را انتشارات بوکز ال ای سی در سپتامبر ۲۰۱۰ و با نام آل بویه منتشر کرده است. در این کتاب، شرح احوال رکن‌الدوله، عماد‌الدوله، فخر‌الدوله، معز‌الدوله، صمصم‌الدوله، بهاء‌الدوله، ابوکالیجار و عضد‌الدوله، به اختصار، به دست داده نشده. همین ناشر، همزمان، جزوی یک کتابچه‌ی دیگری را با عنوان قطع مناسبات آل بویه و به مناسبت نهصد و پنجاه و پنجمین سال انقرض این سلسله منتشر کرده است.

کوک ترددول^{۱۴} در سال ۲۰۰۲ سکه‌های آل بویه را منتشر کرد. مجموعه‌ای بی‌نظیر و مصور از سکه‌های رایج در زمان آل بویه که هر کدام توضیحی مجرزا را خسیمه دارد و همچون حلقه‌های یک زنجیر، قطعات این بازل را تکمیل می‌کند. جان داناهو^{۱۵} آل بویه در بغداد از ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ هـ. ق را در سال ۲۰۰۳ تألیف کرد و عنوان فرعی شکل گیری مؤسسات برای آینده را بر آن نهاد. او که استاد تاریخ عرب در دانشگاه هاروارد است و در دانشگاه‌های سن زورف و بیروت نیز به تدریس مشغول است، نشر کتاب خویش را به انتشارات بریل سپرد.

تاریخ دوزه‌های آغازین آل بویه در سال‌های ۱۹۴۸ توسط سعید‌حسن و از سوی دانشگاه الله‌آباد به چاپ رسیده باز هم درهند، م. کبیر سلسله‌ی بویهیان بغداد را در سال ۱۹۶۴ (کلکته) منتشر ساخت. این فهرست البته بسیار ناقص است و ارایه صورت کامل شده آن جستاری مجرزا خواهد بود. در این میان اما شاید بتوانیم قدیم‌ترین اثر در این حوزه را از آن اج‌اف. آ. می‌دروز^{۱۶} بدانیم؛ سه سال از حکومت آل بویه در بغداد از ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ که در سال ۱۹۰۱ منتشر شد.^{۱۷}

بی‌نوشت

- ۱ . تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمربیج، زیرنظر پیام‌هولت و آن. ک.س. لمبتوون، ترجمه: احمد آرام، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران: چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۱۵۹
- ۲ . تاریخ خلافت عباسی (آنغاز تا پایان آل بویه)، دکتر سید احمد رضا خضری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران: چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۱۶۶